

## به پیشواز اول ماه می، روز انترناسیونالیسم پرولتری!

تجلیل از اول ماه می از یک جهت ارجحاری به مبارزات مترقی کارگران جهان علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم بوده و از جانب دیگر تأکیدی است بر اصل انترناسیونالیسم پرولتری. میلیونها تن از کارگران در سراسر جهان همه ساله این روز را تجلیل می کنند. در شرایط کنونی جهان، نبود یک نظام سوسیالیستی منحصراً پایگاه انقلاب جهانی و ضعف جنبش بین المللی کمونیستی، اکثریت قاطع جنبشهای کارگری در جهان زیر نفوذ و رهبری ارسطو کراسی کارگری مسلط بر اتحادیه های کارگری و احزاب رویزیونیستی و رفورمیستی قرار دارند؛ لیکن تجلیل از این روز در نزد پرولتاریای آگاه و انقلابی مفهوم خاص خودش را دارد و آن تجدید تعهد به تداوم همبستگی و اتحاد پرولتاریای جهان در مبارزه انقلابی علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم می باشد. از نظر تاریخی طبقه پرولترهای صنعتی همزمان با پیدایش شیوه تولید سرمایه داری، یعنی در مرحله تلاشی فئودالیزم پدید می گردد. دهقانان خانه خراب و ورشکسته و دهقانی که زمینهای خود را از دست می دادند، نخستین منبع پیدایش پرولترها بود. بعدها با تکامل سرمایه داری، خرده بورژوازی و ورشکست شده در شهرها و روستاها به گسترش و تقویت صفوف پرولترها منجر می شود. باین صورت پرولترها یکی از دو طبقه اساسی در فرماسیون اجتماعی- اقتصادی سرمایه داری است و طبقه اساسی دیگر در این صورت بندی بورژوازی است. طبقه پرولتاریا فاقد هرگونه وسایل تولید است. و بجز از نیروی کارش دیگر هیچ منبعی عایداتی برای گذراندن حیات خود و فامیلش ندارد. استثمار پرولتاریا از جانب بورژوازی موجد تضاد آشتی ناپذیر منافع طبقاتی آن ها و مبارزه طبقاتی بین آنهاست. پرولتاریا به لحاظ خصلت طبقاتی پیگیرترین طبقه انقلابی در جامعه سرمایه داری است؛ زیرا اولاً: پرولتاریا با مترقی ترین و رشد یابنده ترین شکل تولید یعنی صنایع ماشینی و تولید بزرگ صنعتی در ارتباط بوده و پیوسته رشد و تکامل می یابد. ثانیاً: خصلت تولید سرمایه داری خود برای اتحاد و تشکل و آموزش پرولتاریا شرایط مساعد را فراهم می کند. ثالثاً: امکان پرولتاریا برای سازمان دادن اقدامات آگاهانه توده ای از دیگر طبقات خلق بیشتر و آگاهی طبقاتی وی بالاتر است. با پیروزی انقلابهای بورژوائی در قاره اروپا صنایع به سرعت توسعه یافت. انقلاب بورژوائی موانع موجود در راه تکامل نیروهای مؤلده را برداشت و رشد نیروهای مزبور را پیش سرعت داده و زمینه انقلاب در تکنالوژی (اختراع ماشین) را فراهم ساخت. انقلاب صنعتی پرولتاریای صنعتی را بوجود آورد و با رشد و توسعه سرمایه داری طبقه کارگر به لحاظ کمی و کیفی رشد کرد.

مبارزات طبقه کارگر در اشکال ابتدائی خود محدود به خواستههای اقتصادی و تقلیل ساعات کاری شد. این مبارزات تا اشکال سازمانیافته و پیشرفته تحت رهبری احزاب انقلابی پرولتری و با طرح خواستههای سیاسی و بالاخره تا کسب قدرت سیاسی به پیش رفت. با تشکل " اتحادیه کمونیستها" توسط مارکس و انگلس و تدوین " مانیفست کمونیست" در سال (1847) جنبش کارگران با سوسیالیسم علمی پیوند حاصل کرده و مبارزات کارگران کیفیت انقلابی یافت. مارکس و انگلس فراخوان " کارگران سراسر جهان متحد شوید" را دادند. این فراخوان اساس انترناسیونالیسم پرولتری بوده و همبستگی و اتحاد کارگران و سایر زحمتکشانشان همه ملتها در مبارزه مشترک علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم در سراسر جهان را طلب می کند. مارکس و انگلس در مبارزه علیه سوسیالیسم خرده بورژوائی عقاید فلسفی و اجتماعی خود را بر پایه های محکم و متینی استوار کردند. مارکس مناسبات تولیدی سرمایه داری را مطالعه کرده و با تحلیل علمی (بر مبنای ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک) ماهیت و خصلت نظام سرمایه داری و شیوه استثمار کارگران و ارزش اضافی ای که بوسیله کارگران تولید می شود و سرمایه داران آن را غصب می کنند، افشانمود. " کتاب سرمایه" با ارزش ترین اثر مارکس در این زمینه است. تشکلهای

انقلابی انترناسیونال اول و انترناسیونال دوم در پرتو "مانیفست کمونیست" ایجاد شدند. انترناسیونال اول (1864-1872) برای تدارک یورش انقلابی علیه سرمایه داری اساس گذاشته شد. برنامه آن بوسیله مارکس تهیه شد و در آن رهایی طبقه کارگرتوسط خود طبقه کارگروکسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگرقید گردید. بین الملل دوم (1889-1914) تشکیل شده و انگلس نقش فعالی در آن بعهده داشت و خدمات ارزنده ای را در جهت تقویت جنبش بین المللی کمونیستی انجام داد. لیکن این سازمان به تکامل نه انجامید و چنانکه لنین می گوید: " این امر موجب تنزل موقت انقلابی و تشدید اپورتونیسیم گردید که سرانجام کار را به ورشکستگی ننگین این انترناسیونال کشاند". و کارل کائوتسکی رهبر رویزیونیستهای بین الملل دوم در شکست آن نقش بازی کرد.

پرولتاریا در مبارزه برای رهایی خود می تواند و باید تمام توده های خلق زحمتکش و در درجه اول دهقانان فقیر را به سوی خود جلب کرده و نبرد علیه سرمایه داری را رهبری کند. بهمین جهت طبقه پرولتاریا رسالت تاریخی سرنگونی طبقه بورژوازی و امپریالیسم و تشکیل جامعه نوین سوسیالیستی و ایجاد دیکتاتوری طبقاتی اش را بعهده دارد. اما پرولتاریا تحت رهبری حزب انقلابی اش، تحت رهبری اندیشه های کمونیسم انقلابی ( مارکسیسم- لنینیسم- مائونیسم) و در جریان مبارزه طبقاتی به منافع اساسی طبقاتی خود و رسالت تاریخی اش در نجات سایر زحمتکشان و نجات بشریت از استثمار و ستم ظالمانه سرمایه داری و دیگر طبقات استثمارگروستمگر آگاهی می یابد. پرولتاریا به لحاظ موقعیت اجتماعی و خصلت طبقاتی اش انقلابی ترین طبقه در بین تمام طبقات خلق زحمتکش است. اگر پرولتاریا آگاهی انقلابی کسب کند، یگانه طبقه ای است که تا آخر در موضع انقلابی باقی می ماند. در تاریخ مبارزات انقلابی پرولتاریای جهان، " کمون پاریس" در سال (1871) میلادی اولین تجربه مبارزه انقلابی پرولتاریا بود که توانست برای اولین بار دیکتاتوری طبقاتی بورژوازی را سرنگون کرده و دیکتاتوری طبقاتی خود را برقرار کند. کمون پاریس برای نخستین بار شکست پذیری نظام سرمایه داری توسط مبارزات انقلابی طبقه کارگر را ثابت نمود. با آنکه کمون پاریس بنا بر علل و عوامل معین بعد از حدود دوماه شکست خورد و پرولتاریای انقلابی بوسیله بورژوازی سرکوب خونین گردید؛ لیکن به لحاظ تاریخی تجربه کمون پاریس در جنبش انقلابی پرولتاریای جهان حایز اهمیت بسزای است. بعد از آن پیروزی انقلاب کبیراکتوبر سال (1917) در روسیه تزاری بر رهبری حزب کمونیست ( بلشویک) و در رأس آن رفیق لنین و تشکیل کشورشوراها و ایجاد دیکتاتوری پرولتاریا و تشکیل نظام سوسیالیستی، بزرگترین پیروزی پرولتاریای جهان بود. کشورشوراهابحیث اولین پایگاه انقلاب جهانی بظهور رسید. پیروزی انقلاب کبیراکتوبر شوروشوق انقلابی و روحیه شورشگری پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان علیه امپریالیسم و استعمار ابرانگیخته و جنبشهای انقلابی پرولتری و جنبشهای رهائیبخش ملی در سراسر جهان بوجود آمده و انترناسیونالیسم پرولتری توسعه و استحکام بیشتریافت. بعد از جنگ امپریالیستی دوم خلق ویتنام با مبارزه انقلابی به بیش از هشتاد سال سلطه استعماری امپریالیسم فرانسه پایان داده و در سال (1945) جمهوری دموکراتیک ویتنام را تأسیس کرد. با پیروزی انقلابهای دموکراتیک توده ای تحت رهبری احزاب کمونیست در کشورهای اروپای شرقی در جریان جنگ جهانی امپریالیستی دوم که از کمکهای همه جانبه کشورشوراها و ارتش سرخ برخوردار بودند، نظامهای سوسیالیستی از جمله درکشورآلبانی ایجاد شدند. با پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در چین تحت رهبری حزب کمونیست چین در رأس آن رفیق مائوتسه دون در سال (1949) و پیروزی انقلاب سوسیالیستی در سال (1958) چین منحصیث دژ انقلابی و مدافع منافع پرولتاریا و خلقهای زحمتکش جهان عرض وجود کرد. همچنین خلق کوریای شمالی در اوایل دهه پنجاه میلادی با مبارزه انقلابی به سلطه امپریالیسم و ارتجاع داخلی خاتمه داده و جمهوری دموکراتیک کوریای شمالی را بنیان نهاد. و انقلاب ضد امپریالیستی و ضدارتجاع فئودال کمپرادوری در کشور کوبا در اواخر دهه پنجاه میلادی نیز به پیروزی رسید.

پیروزی انقلاب های پرولتری و انقلابهای دموکراتیک توده ای در قرن بیستم خود ثبوت این حقیقت است که اگر طبقه کارگر و سایر طبقات خلق زحمتکش مبارزه ای شان علیه امپریالیسم و ارتجاع را تحت رهبری اندیشه های کمونیسم انقلابی و حزب پیش آهنگ طبقه پرولتاریا به پیش برند به پیروزی می رسند. در بین همه طبقات خلق پرولتاریای انقلابی یگانه نیروی است که در مبارزه اش علیه امپریالیسم و ارتجاع ثابت قدم و استوار است. مارکس می گوید: " پرولتاریا با سراسر تکامل تاریخی که تاکنون وجود داشته مخالف است". پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی با اتکا به علم انقلاب پرولتری (م - ل - م) هدف دارد تا با سرنگونی نظام استثمار و سرمایه داری و امپریالیسم و دیگر نظامهای استثمارگر و استثمارگر فئودال کمپرادوری، جهان نوینی بنا کنند، جهانی عاری از استثمار و عاری از فقر و گرسنگی و بیماری و جهل، عاری از جنایت و غارتگری بوسیله سرمایه داری جهانی و امپریالیسم، یعنی نظام عدل انسانی که توده های خلق و همه بشریت بتوانند در آسایش و آرامش و فضای انسانی زندگی کنند. برخلاف یاهه گوئیها و خزعبلات امپریالیسم و ارتجاع بین المللی مبنی بر «ناکارآمدی» کمونیسم؛ کمونیسم انقلابی زنده و پویا است. بقول لنین: "کمونیسم از زندگی توده های خلق می جوشد". کمونیسم انقلابی یگانه سلاح در مبارزه پرولتاریا و سایر زحمتکشان از سلطه و استثمار و استثمار و وحشیانه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر نظامهای استثمارگر و استثمارگر است. سرمایه داری و امپریالیسم یک نظام طفیلی است و بر استثمار و استثمار کارگران و سایر زحمتکشان و غارت دسترنج خلقهای جهان استوار بوده و نظامی محتضراست. اگر پرولتاریا آگاهی انقلابی کسب کرده و ستاد انقلابی طبقاتی اش را تشکیل دهد، می تواند با مبارزه انقلابی به هستی این نظام غارتگر و جنایت گستر پایان دهد. پیروزی انقلابهای پرولتری و ایجاد دیکتاتوریهای پرولتاریا و تشکیل نظامهای سوسیالیستی در قرن بیستم این حقیقت را به ثبوت رساند. اینها دست آوردهای تاریخی حایز اهمیت برای پرولتاریا و سایر زحمتکشان و بشریت مترقی جهان است. پرولتاریای انقلابی جهان همه این دست آوردها را در مبارزه انقلابی اش علیه امپریالیسم و ارتجاع نصیب گردید. و پیروزیهای پرولتاریا و سایر زحمتکشان محصول و نتیجه رهبری ستاد انقلابی پرولتاریا در کارزار مبارزه انقلابی بوده است. حزب انقلابی پرولتاریا با خط روشن انقلابی (م - ل - م) مهمترین و تعیین کننده سلاح در مبارزه اش جهت سرنگونی امپریالیسم و ارتجاع است. پرولتاریا بدون داشتن چنین حزبی نمی تواند به اهداف عالی انقلابی اش دست یابد. این حزب باید از آگاه ترین و صادق ترین انقلابیون کمونیست تشکیل گردد.

پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی جهان باید از به شکست کشاندن انقلاب توسط رویزیونیستهای درون حزب و دولت در اتحاد شوروی و چین و دیگر کشورها درس بگیرند. بعد از مرگ رفیق استالین در سال (1953) رویزیونیستهای "مدرن" بر رهبری خروشچف مرتد و خاین حزب کمونیست رابه حزب رویزیونیست و نظام سوسیالیستی رابه نظام سوسیال امپریالیستی قلب ماهیت داده و دیکتاتوری پرولتاریا را منهدم و کشورشوراها را به ابر قدرت سوسیال امپریالیستی مبدل کردند. بهمین صورت دیگر احزاب کمونیست "بلوک شرق" و حزب کمونیست ویتنام شمالی و حزب کمونیست کوریای شمالی به پیروی از رهبران مرتد و خاین دولت سوسیال امپریالیسم «شوروی» به پرتگاه رویزیونیسم و ضدانقلاب سقوط کردند. همچنین ده ها حزب و سازمان کمونیستی در جهان به دنباله روی از رویزیونیستهای "مدرن" ( خروشچفی) در منجلا ب رویزیونیسم افتادند. رفیق مائوتسه دون با مطالعه و تحقیق در پرتودیکتاتوریه ماتریالیستی درباره شکست انقلاب در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق، مبارزه علیه رویزیونیسم "مدرن" (خروشچفی) را در سطح جهان رهبری کرده و با تدوین تئوری "ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا" انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی را در سال (1966) براه انداخته و انقلاب چین را برای یکدهه از شکست بوسیله رویزیونیستهای درون حزب و دولت نجات داده و باین صورت بر بحران جنبش کمونیستی بین المللی تا حد زیادی فایق آمد. اما بعد از مرگ رفیق مائوتسه دون در سال (1976)

رویزونیستهای «سه جهانی» بر رهبری هواکوفینگ و دینگ سیائوپینگ طی یک کودتای رویزونیستی و دستگیری و زندانی کردن چهارتن از رهبران انقلابی حزب و قتل و زندانی کردن صدها تن دیگر از کمونیستهای انقلابی، دیکتاتوری پرولتاریا سرنگون کرده و نظام سوسیالیستی را منهدم و راه سرمایه داری را در پیش گرفته و چین را به کشوری سوسیال امپریالیستی مبدل کردند. رفیق مائوتسه دون بدرستی گفت که: «برای ساختمان سوسیالیسم و رسیدن به جامعه بدون طبقه به چندین انقلاب فرهنگی پرولتاریائی نیاز است». همچنین تعداد زیادی از احزاب و سازمانهای (م- ل- ا) در سطح جهان به دنباله روی از رهبران مرتد و خاین چین به منجلا ب رویزونیسم «سه جهانی» قرار گرفتند. با سقوط انور خوجه رهبر حزب و دولت آلبانی در پرتگاه دگما رویزونیسم؛ وی انقلاب چین و شخص مائوتسه دون را مورد حملات اپورتونیستی و خصمانه قرار داده و به انقلاب خلق آلبانی و انقلاب جهانی خیانت کرد.

با شکست انقلاب در چین توسط رویزونیستهای «سه جهانی» و شکست انقلاب در آلبانی توسط دگما رویزونیستها، جنبش کمونیستی بین المللی دچار بحران عمیقی گردید. لیکن در سال (1984) احزاب و سازمانهای کمونیست انقلابی بابررسی شکست انقلاب و سقوط آخرین پایگاه انقلاب جهانی در چین و نقد و بررسی وضعیت جنبش کمونیستی جهانی، " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (جا)" را تشکیل کرده و خط جنبش کمونیستی را بر مبنای "مارکسیسم- لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون" روشن ساخته و جنبش بین المللی کمونیستی تا حد زیادی رونق یافت. در کشور پر و حزب کمونیست (م- ل- م) جنگ خلق (راه درخشان) را آغاز کرده و طی حدود یک دهه به پیروزیهای زیادی دست یافت. لیکن بعد از دستگیری صدر گونزالور رهبر حزب کمونیست (م- ل- م) پر و و چندین تن دیگر از رهبران حزب توسط دولت جنایتکار فوجیموری، تعداد زیادی از اعضای حزب (رویزونیستهای «خط آسومیر») در زندان به کمونیسم انقلابی و انقلاب خلق بی ایمان شده و به دولت تسلیم شدند و باین ترتیب ضربت شدیدی به انقلاب خلق پر و وارد آمد. همچنین در کشور نپال حزب کمونیست نپال (مائونیست) برای مدت ده سال جنگ خلق را علیه دولت فئودال کمپرادوری وابسته و نوکر امپریالیسم و دولت توسعه طلب هند رهبری کرد؛ لیکن "پراچند" و دیگر رهبران حزب در اواخر سال 2005 میلادی در پرتگاه رویزونیسم و ضدانقلاب سقوط کرده و جنگ خلق را متوقف کرده و پیروزیهای که طی ده سال جنگ خلق به بهای خون صدها هزار تن از خلق انقلابی نپال بدست آمده بود، نابود کرده و به دولت فئودال کمپرادوری نپال و امپریالیسم و دولت هند تسلیم شد. این خائنین مرتد با انتخاب راه پارلمانتاریزم به چوکی صدارت و وزارت در دولت فئودال کمپرادوری رسیدند و باین صورت ضربت شدیدی به انقلاب خلق نپال و جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و جنبش کمونیستی بین المللی وارد کردند. بعد از سقوط رهبران حزب کمونیست نپال (مائونیست) به پرتگاه رویزونیسم؛ بیشتر احزاب تشکیل دهنده "جنبش انقلابی انترناسیونالیستی" پرتگاه رویزونیسم و تسلیم طلبی رهبری حزب کمونیست نپال (مائونیست) را نادیده گرفته و صحبت از این داشتند که " انقلاب دموکراتیک نوین" در نپال در شرف پیروزی است! عده ای از این احزاب مانند حزب «کمونیست ایران (م- ل- م)» و حزب «کمونیست (مائونیست)» افغانستان، نپال رادر «آستانه پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین» تبلیغ می کردند. برخی دیگر از احزاب تشکیل دهنده "جا" از جمله حزب «کمونیست انقلابی» آمریکا، پرتگاه رویزونیسم حزب «کمونیست نپال (مائونیست)» رادر ابتدا با سکوت نظاره کرد که خود موضع اپورتونیستی است. و از جانب دیگر انحراف رویزونیستی باب آوکیان رهبر حزب «کمونیست انقلابی» آمریکا زیر نامهای «سنز نوین» و «با کمونیسم پیشین نمی توان به آینده کمونیستی دست یافت...» ضربت شدیدی به "جا" و جنبش کمونیستی بین المللی وارد نمود. پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی جهان باید باین موضوع توجه جدی مبذول کنند که همه انقلابهای پرولتری در قرن بیستم عمدتاً بوسیله عناصر سرمایه داری (انواع رویزونیسم) در داخل احزاب کمونیست بر سر قدرت و نظامهای حاکم سوسیالیستی به شکست کشانده شده اند. اگر چه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم بعد

از پیروزی انقلاب کبیراکتوبر در روسیه با انواع توطئه‌گریها و شیوه‌ها و طرق مختلف سعی در تخریب دیکتاتوریهای پرولتاریا و انهدام نظامهای سوسیالیستی در جهان نمود. البته در این میان شکی وجود ندارد که سرمایه‌داری جهانی و امپریالیسم با تعقیب دقیق وقایع درون احزاب کمونیست و نظامهای سوسیالیستی خاصاً در اتحاد شوروی و چین، چشم‌امیدی به عناصر سرمایه‌داری درون این احزاب و دولتها نیز داشت. ولی سرمایه‌داری جهانی و امپریالیسم هیچگاه نتوانست با حمله مستقیم نظامهای سوسیالیستی و دیکتاتوریهای پرولتاریا را سرنگون کند. مثالهای برجسته‌ای آن هجوم چهارده کشور امپریالیستی (بکمک شورش طبقات ارتجاعی شکست خورده داخلی) در سال (1918) به کشورهای شوراهای بعد از پیروزی انقلاب کبیراکتوبر بود که مقتضایه و سرافکننده شکست خوردند. و نیز تهاجم نظامی فاشیستهای آلمان نازی با صدها هزار ارتش تادندان مسلح و ماشین جنگی غول‌پیکر آن در جریان جنگ جهانی امپریالیستی دوم به کشورهای شوراهای صورت گرفت. لیکن پرولتاریا و خلقهای اتحاد شوروی قهرمانانه از انقلاب اکتوبر و میهن سوسیالیستی شان حراست و دفاع کردند. علت اصلی پیروزی پرولتاریای اتحاد شوروی سوسیالیستی این بود که مارکسیسم-لنینیسم انقلابی در فرماندهی حزب و دولت تحت رهبری لنین و استالین قرار داشت. با در نظر داشت مختصر فوق، پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی جهان باید به مبارزه "بین دوخط"، مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی علیه انواع روزیونیسم و اشکال اپورتونیسم در درون حزب توجه جدی کرده و این مبارزه را همزمان با مبارزه طبقاتی انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع فئودال کمپرادوری به پیش برند. مبارزه علیه روزیونیسم در ماهیت یک مبارزه طبقاتی است. پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی باید در تشکیل حزب کمونیست انقلابی به ماهیت خط ایدئولوژیک-سیاسی حزب و معیار لنینی در گزینش اعضای حزب و رابطه دیالکتیکی بین تئوری و عمل جداً توجه کنند. زیرا بدون خط انقلابی و وجود عنصر واقعاً انقلابی، آگاه و صادق به امر انقلاب پرولتری، تشکیل حزب کمونیست انقلابی (م-ل-م) و رهبری انقلاب در کشورهای مختلف دشوار خواهد بود.

جنبش کمونیستی انقلابی یک جنبش بین‌المللی است. بحران وضع این جنبش اثرات سوء بر جنبشهای کمونیستی و جنبشهای طبقه کارگر در کشورهای مختلف جهان بجا می‌گذارد. از جمله جنبش کمونیستی (م-ل-م) افغانستان طی حدود نیم قرن از جانب امپریالیستهای غربی و ارتجاع فئودال کمپرادوری حاکم مزدورانها و رژیم جنایتکار و ریزیونیستهای «خلق» پرچمی و سوسیال امپریالیسم «شوروی» همواره مورد تهاجم و حشیانه قرار گرفته است. از جانب دیگر طبقه کارگر افغانستان خاصاً طی چهاردهه اخیر توسط رژیم ریزیونیستهای «خلق» پرچمی، «سازائی» و رژیمهای ارتجاعی اسلامی گروه‌های "جهادی" و طالبان طی هفده سال اخیر تحت سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و دولت دست‌نشانده و سلطه‌فکری گروه‌های ارتجاعی اسلامی و گروه‌های ریزیونیستی و رفورمیستی قرار داشته و به لحاظ فکری به گمراهی کشانده شده است. طبقه کارگر افغانستان در اوضاع کنونی کشورمانند سایر طبقات زحمتکش در بدترین شرایط بیکاری و فقر و گرسنگی و بی‌سرنواهی بسر می‌برد. طی چهارونیم دهه اخیر صدها هزار تن از کارگران و سایر زحمتکشان افغانستان در کشورهای پاکستان و ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس بوسیله طبقات سرمایه‌دار و فئودال‌های این کشورها به ظالمانه‌ترین وجهی مورد استثمار و ستم قرار می‌گیرند. ضعف جنبش کمونیستی (م-ل-م) افغانستان عمده‌تاً نتیجه خیانت انواع ریزیونیسم و اپورتونیسم از جمله "سازمان‌های افغانستان" (اکنون "حزب همبستگی افغانستان")، "ساما" (بعد از اعدام فقید مجید توسط رژیم جنایتکار «خلق» پرچمی‌ها و ارتش سوسیال فاشیستهای روسی)، "سازمان انقلابی وطن پرستان واقعی (ساوو)"، "اخگر"، "سوسیالیستهای کارگری"، «سازمان انقلابی افغانستان» و «ساما-ادامه دهندگان» در چهاردهه اخیر بوده است. از جمله این تشکلهای ریزیونیستی سه گروه («سازمان انقلابی افغانستان»، «ساما-ادامه دهندگان» و افرادی از "ساوو") به خدمت سازمانهای جاسوسی کشورهای امپریالیستی قرار گرفته و علیه اعضای جنبش کمونیستی (م-

ل-م) افغانستان جاسوسی و اتهام زنی کرده و با فرومایگی و اوباش مآبی علیه ما فحاشی می کنند. در سطح جهان " ترورشخصیت" انقلابیون کمونیست توسط امپریالیسم و ارتجاع جهانی عمدتاً توسط نهاد "کوانتیل پرو" مربوط به دولت امپریالیسم امریکا صورت می گیرد که بعد از جنگ جهانی امپریالیستی دوم تشکیل شده است. در تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی رهبران بزرگ پرولتاریای جهان و سایر انقلابیون کمونیست همواره از جانب سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع و جیره خواران پست فطرت آنها مورد تهمت و افترا و فحاشی قرار داشته اند. این ضدانقلابیها و دشمنان سوگند خورده کمونیسم انقلابی(م-ل-م) کورخوانده اند. کاروان انقلاب و لوگاهی آهسته با استقامت و توانمندی به راهش ادامه می دهد و عواینها و بداران امپریالیستی شان در سطح جهان هرگز نمی تواند مانع از پیشرفت جریان انقلاب پرولتاری شود. جنبش کمونیستی(م-ل-م) افغانستان چندین سال است که دچار تفرقه و پراکندگی است. بین گروه های مختلف جنبش کمونیستی(م-ل-م) اختلافات ایدئولوژیک-سیاسی اصولی وجود دارد که مانع از وحدت اصولی و دیالکتیکی بین آنها شده که بتوانند حزب کمونیست انقلابی را تشکیل دهند. این اختلافات ریشه در اشتباهات و بعضاً انحرافات ایدئولوژیک-سیاسی برخی از این تشکلهای دارد. راه خلاصی از این وضعیت اینست که این بخشها اولاً: مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی علیه اپورتونیزم و رویونیسم را با جدیت به پیش برده و چهره انواع رویونیسم و اشکال اپورتونیزم را برای پرولتاریا و سایر زحمتکشان افغانستان و جنبش کمونیستی بین المللی افشا کنند. ثانیاً: اشتباهات و انحرافات خود را بر مبنای اصل کمونیستی" انتقاد و انتقاد از خود" به پذیرند. در آن صورت است که زمینه برای مبارزه اصولی و دیالکتیکی در جهت ایجاد حزب کمونیست(م-ل-م) انقلابی مساعد می گردد. زیرا بدون حزب کمونیست انقلابی، تشکیل ارتش خلق و تشکیل جبهه متحد ملی انقلابی، مبارزه در جهت طرد سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و سرنگونی دولت دست نشانده و شکست گروه های ارتجاعی طالب، حقانی، القاعده و داعش و سرنگونی نظام فئودال کمپرادوری و قطع کامل سلطه امپریالیسم از کشور امر دشواری خواهد بود. این یگانه راه نجات خلق افغانستان از این ورطه هولناک است.

در اوضاع کنونی جهان با آنکه جنگ خلق در هند، قلیبین، ترکیه(کردستان شمالی) و کشور پروتحت رهبری احزاب کمونیست(م-ل-م) جریان دارد؛ لیکن جنبش کمونیستی بین المللی دچار بحران و تفرقه است که عمداً نتیجه خیانت انواع رویونیسم و اپورتونیزم است. از جانب دیگر وجود اختلافات ایدئولوژیک-سیاسی بین تشکلهای مختلف جنبش کمونیستی(م-ل-م) در کشورهای مختلف جهان که منشأ در اشتباهات و انحرافات اپورتونیزستی و رویونیستی دارد، سبب شده که زمینه وحدت اصولی بین آنها بوجود نیامده و نتوانند بر این بحران و تفرقه فایق آمده و بین الملل کمونیستی نوینی را تشکیل دهند. کمونیستهای انقلابی فقط با تداوم مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی علیه رویونیسم و اپورتونیزم و تصفیه و طرد این خطوط انحرافی از جنبش کمونیستی می توانند به ایجاد ستاد واقعاً انقلابی پرولتاری (حزب کمونیست انقلابی) دستیابند. با تشکیل احزاب کمونیست انقلابی(م-ل-م) در کشورهای مختلف جهان این امکان در سطح بین المللی بوجود می آید که طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی و کشورهای تحت سلطه امپریالیسم در آسیا، افریقا و امریکای لاتین از زیر نفوذ سلطه استوکر اسی کارگری، احزاب رویونیستی، «احزاب کارگر»، «احزاب سوسیال دموکرات» و احزاب «کمونیست کارگری» و «سوسیالیستهای کارگری» خلاصی یابند. در آن صورت است که جنبش طبقه کارگر جهان تحت رهبری احزاب کمونیست انقلابی در مسیر مبارزه اصولی و انقلابی قرار می گیرد. در پرتو کمونیسم انقلابی و اتکاء به اصل انترناسیونالیسم پرولتاری زمینه اتحاد و همبستگی پرولتاریا و خلقهای زحمتکش و تحت ستم جهان در یک مبارزه مشترک و متحد علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم بوجود می آید.

با آغاز قرن بیست و یکم ابر قدرت امپریالیستی امریکا و متحدین آن در ناتو دور جدیدی از تجاوز و تهاجم و اشغال نظامی و استعمارگری را علیه خلقهای تعدادی از کشورهای آسیا و افریقا آغاز کردند. امپریالیسم

امریکا و متحدین ناتوان در سال (2001) میلادی افغانستان را مورد تهاجم نظامی قرار داده و با اشغال نظامی و تسلط استعماری کشور توده های خلق را بزنجر اسارت کشیده اند. امپریالیستهای جنایتکار امریکا و ناتو طی هفده سال اخیر ده ها هزار تن از خلق مظلوم و بی دفاع افغانستان را بقتل رسانده و یا معیوب و معلول کرده اند. همه دولتهای امپریالیستی و دولتهای وابسته و مزدور آنها در جهان از این تهاجم جنایتکارانه علیه خلق مظلوم و بی دفاع افغانستان بیشرمانه حمایت کردند. بهمین صورت امپریالیسم امریکا و متحدین آن در سال (2003) میلادی کشور عراق را مورد تهاجم نظامی قرار داده و با کشتار صدها هزار تن از خلق مظلوم عراق و آوارگی میلیونها تن این کشور را برای چندین سال تحت اشغال نظامی و تسلط استعماری داشتند. امپریالیستهای امریکائی و متحدین ناتو در سال (2011) کشور لیبی را مورد تهاجم نظامی قرار داده و با کشتار هزاران تن از خلق لیبی این کشور را در همه عرصه ها ویران کردند. با آغاز جنگ داخلی در سوریه و عراق، امپریالیستهای امریکائی و متحدین ناتو و منطقه ای اش از جمله دولت صهیونیستی و فاشیست اسرائیل و دولتهای ارتجاعی عربستان و ترکیه باین کشور تجاوز و مداخله نظامی کرده اند. بیش از ده گروه اسلامی وحشی و جنایتکار بشمول داعش را با سلاح و پول و مشورتهای نظامی به منظور کشتار خلقهای بی دفاع سوریه و عراق و ویرانی این کشورها وارد جنگ کردند. از جانب دیگر امپریالیسم جنایتکار فدراسیون روسیه و دولت اسلامی جنایتکار ایران و حزب الله لبنان نوکران به حمایت از دولت بشار اسد وارد این جنگ غارتگرانه شدند. همه این قدرتهای امپریالیستی و دولتها و گروه های ارتجاعی جنایتکار و دولت جنایتکار و ضد مردمی بشار اسد طی حدود هفت سال صدها هزار تن از خلق سوریه را بقتل رسانده و چند میلیون تن آنها را مجبور بفرار از کشورشان کرده و بخش اعظم آبادیها و تأسیسات سوریه را ویران کرده و زندگی صدها هزار فامیل را به نابودی کشاندند. چهار سال است که خلقهای ملیتهای مختلف کشور یمن در آتش جنگ جنایتکارانه می سوزند. این جنگ با مداخله نظامی مستقیم ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به حمایت مستقیم امپریالیستهای امریکائی و از طرف دیگر دولت جمهوری اسلامی ایران به حمایت از گروه ارتجاعی (انصار الله- حوثیها) جریان دارد. در تمام این تجاوزها و تهاجمهای نظامی و جنگهای ویرانگر از افغانستان تا لیبی و شرق میانه گروه های جنایتکار اسلامی دست پرورده امپریالیستهای امریکائی و ناتو من حیث مقدمه الجیش در جهت هموار ساختن زمینه مداخله و تجاوز برای ارتشهای جنایتکار امریکا و ناتو و دیگر کشورها نقش ایفا می کنند. در نبود جنبشهای انقلابی پرولتری نیرومند در کشورهای مختلف جهان از جمله در افغانستان و کشورهای شرق میانه و فقدان یک انترناسیونال کمونیستی، زمینه برای تاخت و تاز قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی علیه خلقهای تحت ستم جهان آماده شده است. و راه نجات پرولتاریا و سایر خلقهای زحمتکش جهان از سلطه و ستم و استثمار و غارتگری و جنگ افروزی سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع همدست آن، مبارزه انقلابی تحت رهبری احزاب کمونیست انقلابی (م- ل- م) است.

**- زنده باد مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم!**

**- مستحکم باد انترناسیونالیسم پرولتری!**

**- نابود باد سرمایه داری جهانی و امپریالیسم!**

**- مرگ بر انواع رویونیسم و اشکال اپورتونیسم!**

**- پیروز باد مبارزات انقلابی پرولتاریا و خلقهای زحمتکش در سراسر جهان!**

**اول ماه می 2018**

( پولاڊ )